



Turkey's Goals of the GAP Project and its Effects on Iraq's Economy

Ahmed Challob Bari¹

Abstract

In recent years, the issue of water shortage in the Middle East has become more prominent, and this has increased the importance of rivers such as the Tigris and Euphrates that pass through several countries, especially since the countries around these rivers, namely Turkey, Iraq and Syria, have not yet reached an understanding on how to divide water. Turkey considered both the Tigris and Euphrates basins as a single transboundary river basin and has started building dams under a project called Gap. Turkey's refusal to adhere to the League of Nations and United Nations treaties that began in 1923 and Turkey is planning to block most of the water that has historically flowed into Syria and Iraq. In recent years, the construction of dams in Turkey has been accelerated. This aggravates the water shortage in downstream countries such as Iraq. This issue can cause internal and regional problems for a country like Iraq that is rebuilding and pursuing its independence. Especially since most of Iraq's population lives in rural areas and rural life is directly dependent on the availability of water for agricultural production. Therefore, it is necessary to know the dimensions of this project. Also, considering the importance of the issue of water shortage and that the issue of dam construction can connect many issues in the region, this article aims to answer the question of Turkey in the construction of dams in a descriptive-analytical way and using library documents. What goals has the Gap project pursued? Also, what effect has the construction of these dams had on Iraq from an economic point of view? As a result, this article deals with economic goals and industrial development, hegemony and Kurdish problem in Turkey by using the framework of "interdependence" theory and examines the negative effects of building dams on food security, migration and agriculture in Iraq.

Keywords: Gap, Turkey, Iraq, Economy, Water Crisis.

1. PhD in Candidate International Relations, Department of International Relations, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author).
iraqahm88@gmail.com



اهداف ترکیه از پروژه گاپ و تأثیرات آن بر اقتصاد عراق

احمد جلوب‌بری^۱

چکیده

در سال‌های اخیر مسئله کمبود آب در خاورمیانه پررنگ‌تر شده است و همین امر اهمیت رودخانه‌هایی مانند دجله و فرات را که از چندین کشور می‌گذرد بیشتر کرده است؛ به‌خصوص که کشورهای اطراف این رودخانه‌ها یعنی ترکیه، عراق و سوریه در چگونگی تقسیم آب هنوز به تفاهم نرسیده‌اند. ترکیه هر دو حوضه دجله و فرات را به‌عنوان حوضه رودخانه‌های فرامرزی واحد در نظر گرفت و شروع به احداث سدهایی تحت پروژه‌ای به نام «گاپ» کرد. امتناع ترکیه از پیروی از معاهدات جامعه ملل و سازمان ملل متحد از سال ۱۹۲۳ شروع شد و این کشور در حال برنامه‌ریزی برای مسدود کردن بیشتر آبی است که در طول تاریخ به سوریه و عراق سرازیر می‌شد. سدسازی‌های ترکیه در چند سال اخیر با شتاب بیشتری در حال اجراست. این امر کمبود آب دریافتی در کشورهای پایین‌دست مانند عراق را تشدید می‌کند. این موضوع برای کشوری مانند عراق که در حال بازسازی است و استقلال خود را دنبال می‌کند مشکلات داخلی و منطقه‌ای را می‌تواند سبب شود؛ به‌خصوص که بیشتر جمعیت عراق روستانشین است و زندگی روستایی نیز مستقیماً به وجود آب برای تولید کشاورزی وابسته است. بنابراین، لزوم شناخت ابعاد این پروژه ضروری جلوه می‌کند. همچنین با توجه به اهمیت مسئله کمبود آب و اینکه مسئله سدسازی می‌تواند بسیاری از موضوعات را در منطقه به هم پیوند بزند، این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از اسناد کتابخانه‌ای در نظر دارد تا به این سؤال پاسخ دهد که ترکیه در احداث سدهای پروژه گاپ چه اهدافی را دنبال کرده است؟ همچنین احداث این سدها از جنبه اقتصادی چه تأثیری بر عراق داشته است؟ در نتیجه این مقاله با استفاده از چارچوب نظریه «وابستگی متقابل» به اهداف اقتصادی و توسعه صنعتی، هژمونی‌خواهی و مسئله کردها در ترکیه می‌پردازد و اثرات منفی احداث سدها در امنیت غذایی و مهاجرت و کشاورزی در عراق را بررسی می‌کند.

کلیدواژه‌ها: گاپ، ترکیه، عراق، اقتصاد، بحران آب.

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

ایران (نویسنده مسئول). iraqahm88@gmail.com

مطالعات سیاسی بین‌النهرین، ۱۴۰۲، دوره دوم، شماره اول، ۱-۲۵.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۷

Doi: 10.22126/MPS.2023.8237.1011

ناشر: دانشگاه رازی

© نویسندگان.



۱. مقدمه

تقسیم آب رودخانه‌هایی که از چندین کشور می‌گذرد موضوعی است که همواره در مجامع بین‌المللی محل بحث بوده است و هنوز هستند مناطقی که در این مورد به تفاهم نرسیده‌اند؛ به‌خصوص برخی از رودخانه‌ها که کمبود آب در آن پررنگ‌تر است، مانند رودخانه دجله و فرات.

رود دجله در جهت شرق به شمال عراق می‌ریزد. همچنین رود فرات پس از طی مسیری از سرچشمه ترکیه به سوریه و سپس به عراق می‌رسد. به‌طور کلی رود فرات ۸۸ درصد و دجله ۵۰ درصد از کل حجم خود را در ترکیه به خود اختصاص می‌دهند (المظفر، ۲۰۱۶: ۴۲).

قابل ذکر است که در حوزه بالقوه بحرانی دجله و فرات، بحران آب با دیگر نقاط متفاوت است. چنان‌که اختلاف بیشتر بر سر تسهیم آب است. ترکیه معتقد است همان‌گونه که عرب‌ها حق بهره‌برداری از نفت را دارند آن‌ها نیز می‌توانند از آب به‌طور دلخواه استفاده کنند (نهای، ۱۳۷۸: ۵۹-۶۰). در واقع به این دلیل که سرچشمه رود فرات از کوه‌های ترکیه است، خود را صاحب آن می‌داند و حاضر به پذیرش آن به‌عنوان رود بین‌المللی نیست و برای بهره‌برداری بیشتر از این منبع آبی، اقدام به ایجاد سد و مخازن آبی گسترده کرده است (کرمی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۷). یکی از این سدها تحت پروژه‌ای به نام پروژه «آنا تولی جنوب شرقی - گاپ»^۱ در دست اقدام است.

پروژه گاپ در قسمت شمالی حوضچه میزوپوتامیا^۲ واقع شده است که منطقه استپی جنوبی ترکیه را دربردارد و شامل استان‌های «سیرت، شرناخ، باتام، دیاربکر، آدیاماو، غازی، انتپ و وداها» است. اکثر جمعیت این استان‌ها کرد است. مساحت پروژه گاپ حدود ۷۰۶,۲۸۸ کیلومتر، یعنی ۹/۷ درصد مساحت ترکیه است. این پروژه مساحت وسیعی از زمین کشاورزی را دربرمی‌گیرد که ۷۵۰۰۰ کیلومتر برآورد شده است و بر آبیاری ۷۵۰۰۰ هکتار و تولید انرژی الکتریکی تخمینی ۷۴۷۶ مگاوات نقش دارد. همچنین آب این پروژه حدود ۴۷ درصد از کل آب ترکیه و ۱۷ درصد از کل اقتصاد ترکیه را تشکیل می‌دهد (المظفر، ۲۰۱۶: ۵۰). از آنجا که آب این رودخانه مشترک است و کشورهای عراق و سوریه نیز از آن تأثیر می‌پذیرند، می‌توان حدس زد که مشکلات آبی در این منطقه برخورد منافع و درگیری‌هایی در زمینه تقسیم آب این کشورها را موجب می‌شود. هرچند در طول سالیان ساخت این سد گفت‌وگوهایی بین مقامات سه کشور صورت گرفته، اما نتیجه چندان مطلوبی را شاهد نبوده‌اند؛ به‌خصوص طرف عراقی که پایین‌دست‌تر محسوب می‌شود، زیان‌های بیشتری را متحمل شده است. فقدان اجماع ثابت شده در مورد

1. Project Anatoly Southeast (GAP)

2. Mezopotamb

حقوق آب ساحلی، عراق را بیشتر تضعیف کرده است و مذاکرات دوجانبه تنها منجر به امتیازات جزئی و مبهم از سوی ترکیه شده است. همچنین پیامدهای چندبعدی این پروژه در سطح منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی واضح‌تر شده است. بر اساس این مقدمه می‌توان گفت ضرورت و اهمیت کمبود آب در منطقه خاورمیانه و وجود بحران‌های اقتصادی ضرورت بررسی این موضوع مهم را دوچندان کرده است. مقاله پیش‌رو نیز در نظر دارد تا به این سؤال‌ها پاسخ دهد که ترکیه در احداث سد بر روی دجله و فرات چه اهدافی دارد؟ احداث سدهای پروژه گاپ چه تأثیراتی بر عراق خواهد داشت؟ اهداف ترکیه شامل هژمونی خواهی اقتصادی در منطقه، کنترل کردهای منطقه، رونق بخشی صنعتی، پاسخگویی به جمعیت رو به رشد و تهیه غذا برای آنهاست. همچنین احداث این سدها مشکلاتی را برای جمعیت، اقتصاد و کشاورزی عراق و همچنین مسئله مهاجرت در عراق ایجاد کرده است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

در میان نوشته‌های فارسی، محمد ناصحی و مهناز گودرزی (۱۳۹۹) در مقاله «پروژه سدسازی ترکیه؛ تهدیدات امنیتی برای غرب آسیا و جمهوری اسلامی ایران»، بر اساس چهارچوب کپنهاک، خطرات و تهدیدات زیست‌محیطی این پروژه را برای ایران بیان کرده‌اند و به کنوانسیون‌های بین‌المللی در زمینه آبراهه‌های بین‌المللی برای خروج از بحران اشاره کرده‌اند. افشین کرمی و همکاران در مقاله «تأثیر هیدروپلیتیک بر مناسبات عراق و ترکیه با تأکید بر دجله و فرات» (۱۳۹۵) توسعه طرح‌های آبی از سوی ترکیه را یکی از موانع اصلی در راه نیل به اجماع هیدروپلیتیکی در این حوضه آبریز دانسته‌اند. نرگس اکبری و علی مشهدی (۱۳۹۸) در مقاله «تهدیدها و تعهدات زیست‌محیطی دولت ترکیه در اجرای پروژه گاپ نسبت به آثار سوء زیست‌محیطی در ایران (ریزگردها)» به بررسی مفاد کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی در این رابطه پرداخته‌اند.

در مقالات غیرفارسی، محمود یوسف و همکاران (۲۰۱۸) در مقاله «مدیریت پایدار آب در عراق (کردستان) به‌عنوان چالشی برای مسئولیت دولتی»، با بیان مسائل مربوط به کردها، دستیابی به توافق پایدار را سخت می‌دانند و معتقدند که باید با میانجیگری یک طرف ثالث حل و فصل شود. ندیر الانصاری در مقاله «هیدروژئوپلیتیک دجله و فرات» (۲۰۱۹) از مدل‌سازی مطالعات آینده‌نگرانه استفاده کرده و گفته است مشکل کم‌آبی در آینده تشدید خواهد شد. خالد جواد سلمان در مقاله «تأثیر سیاست‌های کشورهای همسایه بر آینده منابع آب در عراق» (۲۰۱۷) از نظر حقوقی به مسئله پرداخته است. علی عبدالحسین عبدالله المظفر در نوشته خود «فرصت‌های از دست رفته برای عراق در آب‌های دجله و فرات» (۲۰۱۶) بر چالش

جدید عراق و سوریه، یعنی همکاری اسرائیل و ترکیه، تمرکز کرده و راه‌های مقابله با این چالش را دنبال کرده است.

همان‌گونه که آورده شد، نوشته‌های پیشین بیشتر از منظر سیاسی، حقوقی و زیست‌محیطی به مسائل پرداخته‌اند. از آنجا که عراق به‌عنوان کشوری در حال بازسازی است، تأثیر مسئله آب بر اقتصاد و کشاورزی آن مهم است و این مقاله در نظر دارد با بیان اهداف ترکیه، به تأثیرات سدسازی ترکیه از منظر اقتصادی پردازد.

۳. چارچوب نظری

اقتصاد سیاسی یکی از حوزه‌های نظری مجادله‌برانگیز است و هر گروه فکری و نظری بر اساس مبانی خود تعریفی از اقتصاد سیاسی ارائه می‌دهد یا به تعبیری نسبت قدرت و بازار را تبیین می‌کند. با وجود این، برخی دلایل اهمیت رجوع به اقتصاد سیاسی را بیشتر کرده است، از جمله: سردرگمی در سیاست‌گذاری، ابهام در تصویر رابطه سیاست و اقتصاد، ناکامی در برنامه‌ریزی‌های توسعه.

به‌طور کلی هر کشوری با مجموعه‌ای از عوامل مختل‌کننده اقتصادی روبه‌روست، اما توانایی اندکی برای کنترل چنین عواملی دارد. بنابراین، وابستگی متقابل وضعیت متناقضی ایجاد می‌کند؛ به این صورت که هم برای همکاری و هم برای رقابت انگیزه ایجاد می‌کند. چه‌بسا مدیریت مناسب روابط اقتصادی فراملی بهترین شیوه هماهنگ‌سازی اقتصادی کشورها باشد؛ اما رهبران کشورهای ناراضی نیز می‌توانند با روش‌های زیان‌آوری نظیر سیاست‌های فقیر کردن کشورهای همسایه برای کنترل دوباره اقتصاد ملی تلاش کنند. تحلیل وابستگی متقابل بر چنین تنش‌های میان دولت و بازار جهانی متمرکز می‌شود (محمدی، ۱۳۸۳: ۲۸).

کوهن و نای^۱ در اثر معروف خود به نام «وابستگی متقابل» می‌گویند که تحولات اقتصادی سیاست را نفی نمی‌کند، بلکه این تحولات نوع جدیدی از سیاست را ایجاد می‌کند. مفهوم وابستگی متقابل از نظر آن‌ها ترکیبی از واقع‌گرایی و اقتصاد سیاسی بین‌المللی لیبرال است (محمدی، ۱۳۸۳: ۵۳). کوهن و نای در کتاب خود با بررسی مفهوم «وابستگی متقابل پیچیده»، سه مشخصه مهم برای آن بیان کرده‌اند: کانال‌های چندگانه ارتباطات میان جوامع، فقدان سلسله‌مراتب مشخص میان مسائل و دستور کارهای سیاست خارجی دولت‌ها، کاهش نقش نیروی نظامی. آن‌ها در توضیح وابستگی متقابل اقتصادی از دو مفهوم «حساسیت» و «آسیب‌پذیری» استفاده کرده‌اند که حاکی از تأثیرپذیری سریع اقتصاد کشورها از

1. Keohane & Nye

تحولات مؤثر در کشورهای دیگر است که در کنار فوایدشان، ممکن است نقش آسیب‌زننده داشته باشند (قنبرلو، ۱۳۹۳: ۹۱).

به‌علاوه، نباید پنداشت که در وابستگی متقابل برابری کامل وجود دارد. وابستگی متقابل با وابستگی دوطرفه متقارن و برابر یکسان نیست. عدم تقارن در وضعیت وابستگی به احتمال قوی موجب اعمال نفوذ یکی از طرفین روی طرف مقابل می‌شود (بزرگی، ۱۳۷۵: ۹۴۴-۹۴۵). در سیستم وابستگی متقابل، قدرت همچنان مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در چانه‌زنی‌های سیاسی است. کوهن و نای مفهوم قدرت را از وبر وام گرفته‌اند. به باور وبر، «قدرت» احتمال موفقیت یک کنشگر اجتماعی در پیشبرد مقاصد خود، به‌رغم مقاومت سایر کنشگران است صرف‌نظر از اینکه کنشگر قدرتمند از چه ابزارهایی برای این منظور بهره می‌گیرد. کوهن و نای نیز قدرت را توانایی کنترل منابع در مسیر دستیابی به اهداف خود دانسته‌اند (وحیدی‌راد، ۱۳۹۲: ۱۰۹). نای همچنین تقسیم‌بندی سه‌گانه‌ای از قدرت را پیشنهاد کرده است: نظامی، اقتصادی و نرم. قدرت نظامی و اقتصادی هر دو ماهیتی سخت دارند. قابلیت‌های اقتصادی گاه به‌مثابه منبع قدرت سخت و گاه به‌مثابه منبع قدرت نرم به کار گرفته شده است (مایلی و مطیعی، ۱۳۹۵: ۱۰۹). در همین راستا، «کاتزنشتاین»^۱ ضمن تأکید بر نقش اساسی ثروت در تأمین اهداف کشورها، بر مسئله سیاست اقتصادی خارجی دولت‌ها تمرکز کرده است. او بر آن بود که برای درک تفاوت سیاست اقتصادی خارجی دولت‌ها باید شبکه‌های سیاست‌گذاری و ساختار دولت‌ها را بررسی کرد (قنبرلو، ۱۳۹۳: ۹۲).

ترکیه نیز در ساختار شبکه درونی سیاست‌گذاری داخلی با جدیت مسئله توسعه اقتصادی را دنبال کرده است و اقتصاد و پیشرفت و توسعه در اولویت برنامه سیاستمداران این کشور قرار دارد. جمهوری ترکیه برای دست یافتن به توسعه اقتصادی و ادغام اقتصاد خود در اقتصاد جهانی، در حوزه داخلی سیاست‌گذاری‌های مالی و اقتصادی مهمی انجام داده است که البته از ایجاد ثبات سیاسی در این کشور جدا نیستند. به‌خصوص با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ۲۰۰۲، این حزب برای ایجاد ثبات سیاسی، برنامه‌هایی را در پرتو برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی کمال درویش دنبال کرد که هنوز نیز ادامه دارد (کشیشیان سیرکی و سهیلی نجف‌آبادی، ۱۳۹۸: ۱۰۳-۱۰۴). یکی از این برنامه‌ها در بخش اقتصادی، سدسازی است. در این برنامه، علاوه بر مواجهه با قدرت‌های نابرابر ترکیه در برابر سوریه و عراق، می‌توان گفت ترکیه به‌عنوان کشور کنترل‌کننده منابع نیز ظاهر شده است و به‌عنوان یک کشور بالادستی و دارای قدرت بیشتر توانسته مقاصد خود را به کشورهای پایین دست تحمیل کند. همچنین باید

گفت، هرچند عراق و به‌خصوص اقلیم کردستان از جمله مناطق مهم برای صادرات محصولات تولیدی ترکیه است، اما ترکیه در پیشبرد اهداف خود برای این اقلیم نیز مشکلاتی به وجود آورده است. به‌طور کلی این طرح با وجود داشتن جنبه‌های اقتصادی، به‌صورت یک‌جانبه موجب پیشرفت یک کشور و عقب‌ماندگی دیگری شده است. اینجاست که پیوند اقتصاد و سیاست روشن می‌شود و لازم است تا با بررسی‌های موشکافانه، برای رفع مشکلات و پیوند همکاری دو کشور توجه بیشتری شود.

۴. پروژه گاپ

«پروژه آناتولی جنوب شرقی - گاپ»، طرح توسعه انسانی و منطقه‌ای در حوزه دجله و فرات شامل چندین استان است (قائم‌مقامی، ۱۳۹۵: ۱۰۷). ترکیه در توضیح ماهیت مسیر رودخانه‌های دجله و فرات، به نظریه حاکمیت مطلق استناد کرده و این کشور حق حاکمیت مطلق بر آب‌های رودخانه بین‌المللی واقع در قلمرو خود را بدون محدودیت یا شرط دارد و بر این اساس به خود این حق را می‌دهد که برای بهره‌مندی از آب سدهایی بسازد، بدون توجه به آسیبی که این اقدام ممکن است برای سوریه و عراق داشته باشد و بدون اینکه این کشورها حق اعتراض به آن داشته باشند. با این استناد که آب رودخانه‌های دجله و فرات از آب‌های ملی (مرزهای عبوری) است نه آب‌های بین‌المللی (الشمی، ۲۰۲۰: ۴۰).

ایده استفاده از آب این رودها از دهه ۱۹۳۰ به دلیل نیاز به انرژی الکتریکی آغاز شد. در اولین سال‌های تأسیس جمهوری ترکیه، انرژی به‌عنوان بدیهی‌ترین و اولویت‌دارترین نیاز مطرح شد. برای این منظور، اداره بررسی آثار برق در سال ۱۹۳۶ تأسیس شد. سپس این اداره مطالعات فشرده‌ای را آغاز کرد و ایستگاه‌های رصدی را برای بررسی رودخانه فرات انجام داد. سپس ترکیه به ۲۶ حوضه تقسیم شد و مطالعات نقشه‌برداری و برنامه‌ریزی آغاز شد. در نتیجه «گزارش بازسازی حوضه فرات» در سال ۱۹۶۴ تهیه شد که ظرفیت آبیاری و انرژی حوضه فرات را تعیین می‌کرد. در مورد دجله نیز این پژوهش‌ها صورت گرفت. بدین ترتیب، چگونگی بهره‌مندی از حوضه فرات و حوضه دجله روشن شد و در سال ۱۹۷۷ با این ادعا که بدینی کشورهای همسایه را برطرف کند، نام این دو حوضه را «پروژه جنوب شرقی آناتولی» برگزیدند (Toprak, 2010: 193). این نکته نیز قابل ذکر است که منطقه جنوب شرقی آناتولی در مقایسه با سایر مناطق ترکیه بارندگی کمتری دارد. به همین دلیل پیش از همه از آب رودخانه‌های فرات و دجله که از منابع آبی بسیار غنی منطقه هستند برای آبیاری و تولید انرژی استفاده می‌شود (Toprak, 2010: 194). در محیط دانشگاهی نیز اولین بار این پروژه به‌عنوان یک ایده در کتاب «رود

فرات و برنامه توسعه جنوب شرق آناتولی» در سال ۱۹۷۱ از سوی دکتر کولارز^۱ استاد جغرافیا و مطالعات خاور نزدیک در دانشگاه میشیگان آمریکا مطرح شد (عیید حداد، ۲۰۱۲: ۲۷۰).

به طور کلی پروژه گاپ شامل ۲۲ سد عظیم است که پروژه ذخیره سازی، نیروگاه های برق و شبکه بزرگ آبیاری را در بر می گیرد. نیروگاه های برق آبی حدود ۲۳ میلیارد مگاوات در ساعت برای کشاورزی و محصولات استراتژیک برق تولید می کنند. ظرفیت ذخیره سازی پروژه ۱۰۰ میلیارد مترمکعب برآورد شده که سه برابر ظرفیت ذخیره سازی سد های عراق و سوریه است. هزینه ساخت پروژه بیش از ۳۵ میلیارد دلار است که ترکیه توانسته بخشی از آن را از طریق بودجه و مابقی را از طریق سرمایه گذاری خارجی و فروش زمین تأمین کند. پس از اتمام همه کارهای پروژه و سدها، ترکیه قادر خواهد بود مدیریت ۸۰ درصد آب فرات را در اختیار بگیرد (صوفی، ۲۰۱۶). البته زمان تخمینی برای تکمیل پروژه ۲۰۱۰ بود، اما به دلیل مشکلات مالی، فنی و سیاسی هنوز تکمیل نشده است (Al-ansari, 2013: 675-676). اکنون بخشی از این پروژه تکمیل و ترکیه در حال بهره برداری از آن است.

طبق برآوردها، نیاز آبی ترکیه، سوریه و عراق به ترتیب ۱۵/۷، ۱۱ و ۱۳ کیلومتر مکعب است (Al-ansari, 2011: 62). تقاضای آب در ترکیه از ۱۵/۶ کیلومتر مکعب در سال تجاوز نمی کند، در حالی که منابع کلی آب به ۱۹۵ کیلومتر مکعب در سال می رسد. اگر نرخ رشد جمعیت موجود در ترکیه را در نظر بگیریم، جمعیت آن در سال ۲۰۲۵ به ۹۱ میلیون خواهد رسید و تقاضا ۲۶/۲۸ کیلومتر مکعب خواهد بود (Al-ansari, 2013: 676). نتایج برخی تحقیقات درباره مصرف آب این پروژه، نمایانگر مصرف آبی ۵۶ میلیارد متر مکعب از رودخانه دجله و فرات است که ۲۰ درصد منابع آبی ترکیه را تشکیل می دهد (عبدالعزیز شعبان، ۲۰۰۹: ۱۵). پس از اتمام پروژه گاپ، ۸۰ درصد از آب فرات و ۴۷ درصد از جریان رود دجله را ترکیه کنترل می کند (Al-ansari, Knutsson, 2015: 2101-2105). همچنین در این پروژه، کشورهای مختلف از جمله آمریکا، کانادا، فرانسه، اسرائیل و همچنین اتحادیه اروپا، بانک جهانی و اتحادیه بین المللی انرژی هیدرولیک، شورای جهانی آب، اتحادیه بین المللی آب و برخی دانشگاه ها قراردادهای همکاری صنایع کشاورزی و محصولات ارگانیک و انرژی های تجدیدپذیر را امضا کرده اند (مقامی، ۱۳۹۵: ۱۱۱).

از طرفی بر اساس قوانین بانک جهانی، تا زمانی که ترکیه با سوریه و عراق بر سر اشتراک و مدیریت آب های دجله و فرات به توافق نرسد، باید از تأمین مالی پروژه های آبی اجرا شده توسط ترکیه خودداری

می‌شد، اما طرف غربی این را در نظر نگرفت؛ بنابراین، شروع به ارائه کمک و وام برای سایر بخش‌های بودجه سالانه ترکیه کرد که این امکان را فراهم کرد تا ترکیه یک صندوق ملی شامل بخش خصوصی و دولتی برای مشارکت در پروژه توسعه منابع رودخانه‌های دجله و فرات - که هزینه کل آن بیش از ۳۰ میلیارد دلار است - ایجاد کند. با این حال، دو کشور دیگر حوضه رودخانه دارای ابزار فشار بر ترکیه‌اند، مثلاً مسئله پیامدهای مشکل کردها و نیاز ترکیه به نفت وجود دارد (عانب، ۲۰۰۸: ۷۶). بر اساس برآوردها، این پروژه در سال ۲۰۲۷ به پایان می‌رسد (حیدر زوین، ۲۰۱۸: ۱۴).



شکل ۱. ابعاد پروژه گاپ

۵. اهداف اقتصادی ترکیه

۵-۱. توسعه بخش صنعت و اقتصاد

از اهداف ترکیه و حزب عدالت و توسعه، رونق صنعتی و توسعه در کشور و رفتار مسالمت‌آمیز با همسایگان است. ترکیه می‌کوشد تا اهداف اقتصادی خود را این بار مسالمت‌آمیز و بدون هیچ جنگی پیش ببرد. هرچند پروژه‌ای مانند گاپ خود باعث نارضایتی کشورهای همسایه است، اما ترکیه از نظر اقتصادی نمی‌تواند از آن چشم‌پوشد.

ترکیه پروژه چندمنظوره خود را با هدف دستیابی به چند امر اجرا می‌کند، از جمله دستاوردهای سیاسی و اقتصادی و نیز ایجاد اقتصادی قوی بر اساس مبانی صنعت مدرن، احیای کشاورزی، اهتمام به تجارت و ترویج صنعت گردشگری در کشور (السویدانی، ۲۰۱۱). همچنین با این پروژه به دنبال در دست گرفتن کنترل مسیرهای آبی متعلق به عراق و سوریه است. این استراتژی بلندمدت منافع ترکیه را به همراه خواهد داشت و می‌تواند به ترکیه در غلبه بر کمبود انرژی کمک کند (Al-muqdad et al, 2016: 1100).

از طرفی ترکیه برای تقویت روابط خود با اسرائیل و همچنین برای به انجام رساندن پروژه‌های اقتصادی و جاه‌طلبی‌های خود از ذخایر آب کشورهای عرب استفاده می‌کند (غدیر، ۲۰۰۹: ۴۷).

همچنین به دنبال تحقق رؤیای خود مبنی بر تبدیل ترکیه به سبد غذایی در خاورمیانه است که آن را در میان ده کشور عمده تولیدکننده مواد غذایی در جهان قرار می‌دهد. پروژه گاپ ابزار این کار است و از طریق افزایش سطح زیر کشت در حوضه فرات از حدود ۲,۵ میلیون هکتار به ۶,۵ هکتار، دستیابی به هدف را تضمین می‌کند (عبد الهادی، ۱۹۹۶: ۱۴). همچنین این کشور به دنبال یک هدف عمده اقتصادی در بخش انرژی است و برنامه تولید نیروی برق از طریق ایجاد نیروگاه بر رودخانه‌های دجله و فرات را پی می‌گیرد. تولید برق آبی به‌ویژه پس از کاهش تولید نفت، از اهمیت و اولویت برخوردار است (الصالحی، ۱۹۸۹: ۷۹). با تکمیل پروژه‌های سدسازی ترکیه، شاهد افزایش چشمگیر تولید انرژی الکتریکی بودیم. این افزایش تولید برق باعث شد که ترکیه کاهش حجم انرژی وارداتی و مازاد انرژی الکتریکی داشته باشد؛ به‌طوری که در پایان دهه هشتاد قرن بیستم، ترکیه ظرفیت صادرات برق به میزان ۱۰ میلیارد کیلووات ساعت در سال را داشت (الشمی، ۲۰۲۰: ۵۱).

بدین ترتیب، ترکیه برای دستیابی به بازدهی مطلوب و در عین حال ارتقای موقعیت اقتصادی خود، تحقق پروژه «اتصال برق» با کشورهای شرق عربی را ضروری دید. اوایل دهه نود قرن بیستم، پروژه‌ای برای اتصال شبکه برق بین ترکیه و عراق، سوریه، اردن و مصر آغاز شد. هزینه این پروژه بیش از ۲,۱ میلیارد دلار است که صندوق توسعه اقتصادی و اجتماعی عربی و بانک توسعه اسلامی در پشتیبانی آن مشارکت دارند و کشورهای ذی‌ربط این پروژه را تأمین مالی می‌کنند. این پروژه در مرحله اول شامل اتصال شبکه‌های مصر و اردن قبل از پایان سال ۱۹۹۷ از طریق خلیج عقبه، اتصال شبکه‌های سوریه و اردن به طول ۱۰۰ کیلومتر و شبکه سوریه و لبنان به ترکیه بود. فاز دوم این طرح در سال ۲۰۰۲ آغاز شد تا شبکه مشترک برای دریافت خط مصر در نزدیکی استانبول به آنکارا برسد (الشمی، ۲۰۲۰: ۵۲). حتی در جنگ سوریه نیز ترکیه این کشور را به قطع برق تهدید کرد و بدین وسیله از این موضوع استفاده سیاسی کرد. می‌توان این‌گونه گفت که صنعت سدسازی در ترکیه خود آغاز امپراتوری ترکیه در صنایع دیگر را فراهم می‌کند و هم می‌تواند نیازهای داخلی را رفع کند و هم از مازاد آن سود ببرد.

۲-۵. مبادله آب و نفت

تلاش ترکیه برای دستیابی به بیشترین میزان آب از دجله و فرات و مبادله آن با نفت کشورهای عربی است و این اقدامی است که بارها از سوی مقامات ترکیه اعلام شده است. هدف ترکیه در اصل مبادله آب با

نفت و به دست آوردن آن با قیمت پایین است که از دهه ۱۹۷۰ تا کنون دنبال شده و در ازای دادن سهم آب، تقاضای دریافت نفت با قیمت پایین را داشته است (راضی طلفاح و دیگران، ۲۰۰۸: ۱۹). در راستای تأکید بر صحت این موضوع، روزنامه ترکی «گن ایدن»^۱ در ۲۴ ژانویه ۱۹۹۰ مقاله‌ای با عنوان «معاملات آب و نفت با عراق» نوشت و در آن ابراز کرد: «همان‌طور که شما یک سلاح قوی به اسم نفت دارید، ما نیز یک سلاح به اسم آب داریم» (السویدانی، ۲۰۱۱). این خود یک راهبرد بلندمدت برای این کشور است. در واقع، ترکیه در نظر دارد همان‌گونه که عرب‌ها نفت را در تملک خود دارند و از طریق آن به پیشرفت اقتصادی رسیده‌اند، به فروش آب در منطقه بپردازد. این موضوع زمانی اهمیت پیدا می‌کند که بدانیم مسئله آب شیرین خود یکی از معضلات کشورهای عربی است. با توجه به تغییرات اقلیمی که جهان شاهد آن است و کمبود هر ساله میزان آب شرب در جهان، حتی این موضوع حساس‌تر نیز می‌شود. در واقع تسلط بر آب به معنای تسلط بر شریان حیاتی جمعیت عظیم خاورمیانه است.

۳-۵. پاسخگویی به مسئله رشد جمعیت

می‌توان گفت که راه‌اندازی پروژه غول‌پیکر گاپ نتیجه اجتناب‌ناپذیر تأثیر انباشت عوامل اقتصادی و جمعیتی ترکیه است که هر از گاهی در شورش‌های سیاسی آن نمایان می‌شود. همچنین وجه مشترک این عوامل بین ترکیه، عراق و سوریه رشد چشمگیر جمعیت است (ابوالوتار، ۲۰۰۸: ۴۰). نباید فراموش کرد که ۳۵ درصد از هزینه‌های مصرفی خانوارها در ترکیه و حدود ۴۵ درصد هزینه‌های مشابه آن در مناطق روستایی ترکیه صرف تولید مواد غذایی، نوشیدنی‌های غیرالکلی و تنباکو و افزایش مستمر میزان استفاده از دخانیات می‌شود. به‌طور کلی، آب زیرزمینی و مقداری که از آب رودخانه‌های دجله و فرات به دست می‌آید صرف رفع نیاز آب آشامیدنی جمعیت و نیازهای کشاورزی و صنعتی می‌شود (ابوالوتار، ۲۰۰۸: ۴۲).

هدف دیگر ترکیه ایجاد مراکز جدید جمعیتی و جذب نیروی انسانی برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های آبیاری، خدماتی و صنعتی است (راضی طلفاح و دیگران، ۲۰۰۸: ۱۵-۱۶). از طرفی رئیس‌جمهور اردوغان سرمایه‌گذاری‌های فشرده را تشویق کرد و در حالی که وزارتخانه‌های ترکیه به دنبال اجرای برنامه‌های خود برای حفاظت از محیط‌زیست و رفع کمبود آب هستند، این پروژه می‌تواند بسیار مفید باشد؛ زیرا جمعیت رو به رشد ترکیه به منابع آبی غنی دست پیدا کرده و علاوه بر این، جذب جمعیت همراه خود رشد اقتصادی و توسعه را به دنبال دارد.

۵-۴. استفاده از کارت اقتصادی برای فشار سیاسی

آب می‌تواند مانند نفت نقشی محوری در منطقه ایفا کند. به‌ویژه از این نظر که برخی کشورها منابع آبی را در قلمرو خود دارند و نسبت به کشورهای دیگر (کشورهای پایین دستی) توانایی کنترل میزان آب را دارند. این امر باعث ایجاد فشارهای سیاسی و اقتصادی در مواقع لزوم می‌شود. این موضوع در مورد چندین رودخانه بزرگ جهان عرب، از جمله دجله و فرات، نیل و سنگال صدق می‌کند. کشورهای عربی با توجه به موقعیت جغرافیایی جهان عرب، به‌طور مضاعف تحت تأثیر اقدامات کشورهای غیرعربی قرار می‌گیرند و خطرات متنوع (از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی) جمعیت آن‌ها را تهدید می‌کند. این موضوع از نظر تمام قوانین بین‌المللی و اصول بشردوستانه مردود است، اما کشورهای بالادست همواره سعی می‌کنند با کنترل منابع آب، سیاست‌های خاصی را دنبال کنند که این امر مانعی در دستیابی به منافع آبی اعراب تلقی می‌شود و امنیت غذایی کشورهای عربی را تهدید می‌کند، به‌خصوص که آن‌ها برای اهداف توسعه همه‌جانبه، نیاز مبرمی به آب دارند (جواد سلمان، ۲۰۱۷: ۷۳۲).

معمار سیاست خارجی جدید ترکیه، نخست‌وزیر داوود اوغلو، برنامه بسیار جاه‌طلبانه‌تری دارد و آن تبدیل ترکیه به یک قدرت جهانی است. به‌خصوص در این زمینه پیشرفت اقتصادی برای ترکیه از اولویت برخوردار است (Barkey, 2010: 6). ترکیه توانست با محروم کردن عراق و سوریه از آب رودخانه به‌عنوان کشور بالادست اعمال قدرت کند. افراط در قدرت باعث شده ترکیه گاهی سیاست بازی بر روی موازنه قوا را در کشورهای عربی اعمال کند و در امور داخلی برخی کشورهای عربی مداخله کند که در واقع، به دلیل وضعیت اقتصادی این کشور و همچنین سرچشمه رودهای دجله و فرات است. ترکیه مایل بود نقشی کلیدی در پروژه‌های حمل‌ونقل نفت و گاز در دریای خزر و عراق داشته باشد که به آن قدرت مضاعفی در رد شخصیت بین‌المللی رودخانه‌های دجله و فرات داد و به برخی مقامات ترکیه اجازه داد این گفته را تکرار کنند که ترکیه آب می‌فروشد، همان‌طور که اعراب نفت می‌فروشدند و در این زمینه، پروژه خط لوله صلح را برای تأمین آب برخی کشورهای عربی و اسرائیل از سیهان و جیهان ترکیه پیشنهاد می‌کند. ترکیه حاضر نمی‌شود رودخانه‌های دجله و فرات را تحت یک توافق‌نامه سیاسی یا حقوقی قرار دهد (عبدالکریم محمد، ۲۰۱۴: ۵۸) و از طریق تأخیر و طولانی کردن مذاکرات می‌خواهد در راستای تحقق اهداف خود برای بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی استفاده و از موضوع آب به‌عنوان یک موضوع سیاسی بهره‌برداری کند. کارت فشار در روابط با عراق و الزام آن به تأمین آب عراق در ازای تأمین نفت ترکیه به قیمت پایین به معنای بهره‌برداری از آب رودخانه برای دستیابی به دستاوردهای

منطقه‌ای و از دست دادن حقوق عراق است (جبار مصلح، ۱۹۹۷: ۱۹۴).

سیاست آب ترکیه دیگر یک هدف و برنامه محدود ملی نیست، بلکه به یک موضوع سیاسی تبدیل شده و شامل طرح‌هایی می‌شود که حتی شامل سیاست آمریکا شده است؛ به طوری که موضوع آب در منطقه به موضوع مذاکرات نفت و شهرک‌سازی با رژیم صهیونیستی پیوند خورده است. این بدان معناست که احتمال ایجاد این مشکلات در آینده محتمل به نظر می‌رسد و در نتیجه امنیت آبی را تهدید می‌کند (الکعبی و الخفاجی، ۲۰۱۵: ۵۸۳-۵۸۴). با استفاده از این کارت آبی، ترکیه در مواردی توانست تحت مجازات اخاذی سیاسی یا اطمینان از اجرای خواسته‌های سیاسی خاص در دو کشور همسایه از آن استفاده نماید، مانند اعمال فشار بر توقف حمایت لجستیکی ارائه شده توسط سوریه به جنبش‌های کرد و ارمنی مخالف ترکیه. همچنین از طریق پیوند دادن مسئله آب با موضوع صلح در منطقه عربی به ویژه پس از نزدیکی به اسرائیل، کشورهای عربی را مجبور کرد اسرائیل و همکاری دائمی ترکیه-اسرائیل در زمینه‌های نظامی، اقتصادی و سیاسی را بپذیرند (الشمی، ۲۰۲۰: ۵۱).

۵-۵. حل مشکلات با کردهای منطقه

از ابزارهای فشار ترکیه می‌توان به مسئله کردها و نیاز ترکیه به نفت اشاره کرد. تأثیر این مشکلات در ترکیه فراتر از جنبه‌های سیاسی است. از آغاز دهه هشتاد قرن بیستم، ترکیه از شورش بزرگ کردها به رهبری حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک.)^۱ به رهبری «عبدالله اوچالان» رنج می‌برد. اکثر مردم ترکیه در مناطق جنوب شرقی آناتولی ساکن است و تلاش ترکیه برای مقابله با مشکل کردها از ابتدای پیدایش آن آغاز شد و تلاش شد تا کردها در زندگی اقتصادی و سیاسی ادغام شوند. به محض شکست این تلاش، ترکیه به خشونت و سیاست بی‌امان جنگی متوسل شد و فعالیت‌های پ.ک.ک. و حامیان آن را هدف قرار داد (رضوان، ۲۰۰۶: ۳۴). سپس ترکیه متوجه شد که این اقدامات خشن بخش‌های بیشتری از مردم کرد را به سمت افراط‌گرایی سوق می‌دهد و شرایط مساعدی را برای پ.ک.ک. ایجاد می‌کند تا تعداد زیادی از جوانان خشمگین و شورشی را جذب کند (روینس، ۱۹۹۳: ۴۵). بنابراین، برای مهار وضعیت عقب‌ماندگی اقتصادی و اجتماعی که مناطق کردنشین از آن رنج می‌برند، به سمت توسعه مناطق کردنشین حرکت کرد و پروژه گاپ را اجرا کرد که یک پروژه توسعه چندهدفی است.

طرح گاپ برای تولید برق و امکانات گسترده برای آبیاری رودخانه‌های دجله و فرات ارائه شده که هدف آن تبدیل منطقه توسعه نیافته، وسیع و ناپایدار کردستان به منطقه‌ای باثبات است تا با انرژی الکتریکی

که تولید می‌کند منطقه کردستان را به یکی از بزرگ‌ترین کارخانه‌های تولید این انرژی در خاورمیانه تبدیل کند (المجدوب، ۱۹۹۴: ۷۱) و با ایجاد صدها هزار شغل، مشکل کردها را در کشور حل کند و هم‌زمان به توسعه اقتصادی منطقه‌ای اجازه می‌دهد و همچنین کردها را مجبور می‌کند تا در مناطق اختصاص‌یافته جابه‌جا و دوباره گروه‌بندی شوند؛ بنابراین، تسهیل کنترل آن‌ها توسط آنکارا راحت‌تر صورت می‌گیرد (Nomikos, 2016: 15).

هدف ترکیه از این پروژه تلاش برای ایجاد تغییرات جمعیتی در منطقه‌ای است که اکثریت جمعیت آن را کردها (تقریباً ۱۲ میلیون نفر) تشکیل می‌دهند. ترکیه سعی دارد ۶ میلیون نفر ترک را به این منطقه وارد کند تا بدین ترتیب کردها در این منطقه به اقلیت تبدیل شوند (عبید حداد، ۲۰۱۲: ۲۷۸). همچنین ترکیه از طریق این پروژه تلاش می‌کند تا دو موضوع استان اسکندرون و حزب کارگران کردستان و مشکل آب رودخانه‌های دجله و فرات و فشار سیاسی بر سوریه را به هم پیوند دهد (هاشم محمد، ۲۰۰۹: ۱۲۳). در واقع هدف ترکیه حل مشکلات لاینحل داخلی است که منشأ اضطراب، آشفتگی و بی‌ثباتی داخلی است و مدت‌ها باعث آشوب‌های مسلحانه بوده است (الکعبی و الخفاجی، ۲۰۱۵: ۵۸۴). ترک‌ها استدلال می‌کنند که بهترین راه برای از بین بردن آشفتگی در مناطق کردنشین، توسعه این مناطق است و کردها را به سمت استقرار و ثبات سوق می‌دهد که در نهایت می‌تواند منجر به بی‌میلی آن‌ها از هرگونه خواسته جدایی طلبانه یا ناسیونالیستی شود (الکعبی و الخفاجی، ۲۰۱۵: ۵۸۴). در کنار این مورد، باید اشاره کرد که ترکیه در شمال عراق به دنبال روابط حسنه با اقلیم کردستان است؛ به‌خصوص تعاملات تجاری و خط لوله نفت در این اقلیم برای ترکیه مهم است؛ بنابراین، ترکیه در دو سوی مرز خود در حال کنترل کردهاست. هرچند که ساختن سد برای کردستان عراق نیز می‌تواند مشکل ایجاد کند و در روابط آن‌ها بحران ایجاد کند، اما ترکیه همچنان اولویت خود را در پروژه سدسازی می‌بیند.

۶. تأثیر پروژه گاپ بر اقتصاد عراق

موضوع منابع آب در رأس اولویت‌ها و منافع بخش عمده‌ای از کشورهای خاورمیانه قرار دارد و امنیت آب، اگر برتر از امنیت نظامی نباشد، اهمیتی معادل آن دارد؛ بنابراین، سخن از امنیت ملی یا امنیت غذایی این کشورها بدون در نظر گرفتن مسئله منابع آبی تنها یک سخن بی‌محتواست، به‌ویژه اگر بدانیم که منابع آبی در اکثر این کشورها، به‌خصوص کشورهای عربی، از خارج از مرزهای سیاسی آن‌ها تأمین می‌شود (عبدالکریم محمد، ۲۰۱۴: ۴۲)، همانند آب عراق و سوریه که سرمنشأ تأمین آن ترکیه است.

همچنین به باور کوهن و نای، روابط تجاری بین‌المللی و چالش‌های نظامی و زیست‌محیطی سبب

پایان یافتن اختلافات میان کشورها نمی‌شود. به گفته آن‌ها، وابستگی متقابل هزینه‌های زیادی را در زمینه‌های گوناگون بر کشورها تحمیل می‌کند. در نتیجه، وابستگی سبب حساسیت و آسیب‌پذیری کشورها می‌شود. حساسیت به میزان آسیب‌پذیری یک کشور از سیاست‌های کشورهای دیگر اشاره دارد (وحیدی‌راد، ۱۳۹۲: ۱۱۱). ترکیه با وجود داشتن روابط اقتصادی قوی با اقلیم کردستان عراق، به‌خصوص در بخش انرژی، سیاست اقتصادی‌ای را در پروژه سدسازی دنبال می‌کند که میزان آسیب‌پذیری عراق را بالا برده است. این مورد در آینده گسست بین دو طرف را در پی خواهد داشت.

به‌طور کلی بعد از افزایش دوبرابری جمعیت در اوایل دهه ۱۹۶۰، تقاضا برای منابع آب در منطقه کشورهای پایین‌دستی دجله و فرات به‌طور چشمگیری افزایش یافت و شروع به درخواست حجم بیشتری آب کردند، در حالی که ترکیه به بهانه غیرمنطقی بودن و استفاده نادرست این کشورها در مصرف آب به این موضوع توجهی نکرد (yousof et al, 2018: 9). به‌طور مثال، پروژه سد السو^۱ (یکی از پروژه‌های گاپ) بلافاصله پس از اجرا، مقادیر آب ورودی به عراق را کنترل می‌کند. منبع آب طبیعی رودخانه دجله به ۲۰,۹۳ میلیارد مترمکعب در سال در مرز عراق و ترکیه می‌رسد و در صورت اجرای این پروژه، پیش‌بینی می‌شود که به ۹,۷ میلیارد مترمکعب در سال کاهش یابد و این تنها ۴۷ درصد از درآمد سالانه رودخانه را تشکیل می‌دهد که بازتابی خطرناک برای اوضاع اقتصادی عراق به‌ویژه کشاورزی، صنعتی، آب آشامیدنی، تولید برق به همراه خواهد داشت (العباسی، ۲۰۰۸: ۲۴).

پیوند ترکیه با شمال اقلیم کردستان عراق نیز مهم است. شاخه‌های اصلی رودخانه دجله از طریق اقلیم کردستان می‌گذرد، در حالی که دو مورد از بزرگ‌ترین نیروگاه‌های برق‌آبی، دوکان و دربندیخان، در اقلیم کردستان واقع شده‌اند که به منطقه خودمختار قدرت کنترل بالایی بر بغداد می‌دهد. در سپتامبر ۲۰۱۴، تنها سه هفته پس از بازپس‌گیری سد موصل توسط نیروهای کرد، جان شنیتکر، مشاور ایالات متحده به وزیر کشاورزی عراق هشدار داد که «اگر کردها کنترل سد موصل را حفظ کنند، حدود ۸۰ درصد از این سد را در اختیار خواهند داشت و آب عراق اهرم بزرگی است» (de Pimodan, 2016: 25).

ابعاد این رابطه را می‌توان حتی در قراردادهای جدید بین دو طرف نیز مشاهده کرد که البته به ضرر دولت مرکزی است. اقلیم کردستان عراق در اقدامی بدون هماهنگی دولت مرکزی، قراردادی برای ساخت چهار سد جدید در این منطقه با شرکت «پاورچاینا»^۲ امضا کرد. در این راستا، «قیس البیاتی»، کارشناس مدیریت آب، تأکید می‌کند که به لحاظ قانونی همه سدها و تأسیسات آبی در اقلیم کردستان

1. Illisu Dam

2. Power China Company

باید به صورت فنی توسط وزارت منابع آبی دولت مرکزی مدیریت شود، اما در واقعیت چنین نیست. او می‌گوید که پیش از این نیز اقلیم کردستان برای افزایش تولید برق از سد دوکان جریان آب را در این سد به راه انداخت و در نتیجه منابع آبی این سد کاهش یافت و برای ساکنان محلی مشکلاتی ایجاد شد و دولت مرکزی هم هیچ موضعی در این باره نگرفت (کردپرس، ۱۴۰۱).

این اقدام‌ها را می‌توان از جنبه سیاسی نیز بررسی کرد. چنین قراردادی می‌تواند باعث تضعیف قدرت مرکزی شود و به نابودی زمین و خشک‌سالی و بی‌آبی و ضررهای اقتصادی در جنوب عراق دامن بزند؛ یعنی ترکیه با قرارداد با اقلیم سعی در هماهنگی کردها و کنترل آن‌ها به دور از قدرت مرکزی دارد که در آینده صدمات جبران‌ناپذیر سیاسی و اقتصادی خواهد داشت که دامان خود اقلیم را نیز خواهد گرفت.

۶-۱. لطمه به بخش کشاورزی

ترکیه تأیید کرده است که پروژه گاپ ابعاد منفی برای همسایگان عرب خود ندارد و هدف اصلی آن توسعه منطقه از طریق بهبود سیستم‌های آبیاری و تولید برق است تا منطقه را از فقر رها کند، اما حقیقت کاملاً متفاوت است. اول اینکه پروژه بیش از ۱۰۰ میلیارد مترمکعب از آب رودخانه‌های دجله و فرات را در اختیار ترکیه قرار می‌دهد و ترکیه کنترل آن را بر عهده دارد. دوم اینکه استفاده ترکیه از آب باعث افزایش شوری آب نهرهای عراق شده است.

ترس واقعی از سال ۱۹۷۴ در عراق شروع شد؛ زمانی که ساخت سد کیان در ترکیه با ظرفیت ۳۰,۶ میلیارد مترمکعب سرانجام به پایان رسید. بعداً در همان سال، زمانی که سوریه سد الثوره با ظرفیت ۱۴,۲ میلیارد مترمکعب خود را تکمیل کرد و شروع به پر کردن مخزن خود کرد، عراق با کمبود آب فرات مواجه شد. بین ۱۳ ژانویه تا ۱۲ فوریه در بهار ۱۹۹۰، ترکیه تمام جریان آب فرات را به سوریه و عراق متوقف کرد و ادعا کرد که برای پر کردن مخزن ۴۸,۶ میلیارد مترمکعبی آتاتورک به این آب نیاز دارد که در اثر آن، محصولات زمستانی سوریه و عراق به طور جدی آسیب دید. در نتیجه، دولت عراق مجبور به پرداخت یارانه به بیش از ۷ میلیون نفر از جمله کشاورزان شد؛ زیرا مساحت ۲ میلیون هکتاری حوضه برای تمام نیازهای شرب و کشاورزی کاملاً به آب فرات وابسته است (Al-Najim, 2005: 97). این موضوع هنوز نیز در زمینه کشت سالانه به عراق لطمات فراوانی زده و باعث شده این کشور برای تأمین محصولات کشاورزی به کشورهای دیگر وابسته شود؛ زیرا توان تولید محصولات کشاورزی را ندارد.

«سد ایلسو» (یکی از سدهای پروژه گاپ) نیز نزدیک به ۳ میلیون مترمکعب زمین کشاورزی واقع در مرکز و جنوب عراق را به زمین‌های بایر تبدیل می‌کند. یک کارشناس عراقی در زمینه آب و زمین

در وزارت کشاورزی توضیح داد که این مساحت معادل یک‌هفتم مساحت زمین‌های کشاورزی، بالغ بر ۲۲ میلیون جریب است که دچار کمبود آب می‌شوند. همه این موارد عراق را وادار می‌کند تا در تمام پروژه‌های آبی خود برای احیا و آبیاری و همچنین پروژه‌هایی که در آینده قصد دارد بسازد، تجدیدنظر کند (العباسی، ۲۰۰۸: ۲۷). به عبارتی شوری آب خود باعث بایر شدن زمین می‌گردد و با خشک‌سالی ناشی از بی‌آبی و قطع آب، اقتصاد و کشاورزی حتی در سطح محلی نیز از کار می‌افتد.

۲-۶. وابستگی اقتصادی به خارج

تأثیرات منفی کمبود آب در بخش کشاورزی باعث کاهش تولید و رفع نیازهای داخلی در عراق شده است و این کشور برای تأمین نیازهای خود وابسته به واردات شده است. بی‌تردید عراق نمی‌تواند این وضعیت را تحمل کند؛ زیرا خطرات واقعی در تولید و امنیت اقتصادی را برای آن دربردارد. تنها راه این است که ترکیه سهم عراق را از دو رودخانه تضمین کند و به توافق برسند (عبدالکریم محمد، ۲۰۱۴: ۱۳۷).

۳-۶. افزایش پدیده مهاجرت

نگرانی‌های معاصر ما درباره تأثیر توسعه اقتصادی بر محیط‌زیست، پایگاه منابع و زیست کره زمین ریشه در گفتمان کلاسیک اقتصادی-سیاسی دارد. از جانی توسعه اقتصادی سرمایه‌داری نابرابری‌های شدید در سطوح درآمد منطقه‌ای و شخصی را به همراه دارد که به نوبه خود، به منبع اصلی درگیری‌های سیاسی و اقتصادی معاصر تبدیل می‌شود. در اقتصاد سیاسی کلاسیک، مارکس و کینز همگی به نقش این تقسیمات طبقاتی در متابولیسم توسعه سرمایه‌داری می‌پردازند. تصویر گسترده‌ای که متون کلاسیک از روند توسعه اقتصادی سرمایه‌داری ترسیم می‌کنند، زمینه‌ای ضروری برای درک پدیده‌های مهاجرت، شهرنشینی و ظهور درگیری‌های نژادی و جنسیتی در مرکز جوامع معاصر ارائه می‌دهد (Foley, 1999: 3). تأثیر سدسازی بر مسئله مهاجرت را نیز می‌توان از این زاویه بررسی کرد.

برنامه توسعه‌ای که ترکیه دنبال کرده باعث درگیری در جمعیت‌گرد و ترک منطقه شده است. با توجه به اینکه جمعیت زیادی از ترکیه را کردها تشکیل می‌دهند، این احساس نابرابری هم درگیری بیشتر را سبب شده و هم زمینه را پدیده مهاجرت این جمعیت فراهم کرده است. این مهاجرت به معنای تقسیم جمعیت در یک منطقه است. در واقع طرحی که به گفته مقامات به دنبال برطرف کردن نیازهای اقتصادی منطقه بوده اما در عمل علیه آن‌ها استفاده شده است و در اینجا کاملاً اختلاف بین نیت اقتصادی و سیاسی ترکیه مشخص است.

به‌طور کلی، کاهش تولیدات کشاورزی در مناطقی که وابسته به آب دجله است موجب بی‌میلی بسیاری از کشاورزان به ادامه کشاورزی می‌شود و آن‌ها را به مهاجرت به سمت شهرها در جست‌وجوی کار مناسب سوق می‌دهد (ابوالواتار، ۲۰۰۸: ۴۵). نکته این است که مهم‌ترین مناطق کشاورزی عراق در شمال و جنوب‌شرق این کشور قرار دارند و از ۱۲۰,۰۰۰ کیلومتر مربع زمین قابل کشت، ۴۰,۰۰۰ کیلومتر مربع در منطقه شمال به‌صورت دیم و مابقی در مناطق آبیاری دشت‌های بین‌النهرین واقع است. کشاورزی برای اشتغال روستایی حیاتی است؛ زیرا ۳۰/۱ درصد از جمعیت عراق در مناطق روستایی ساکن هستند. متأسفانه عملکرد بسیار محدود بخش کشاورزی باعث ناامنی غذایی و مهاجرت این جمعیت فقیر به مناطق شهری و در نتیجه افزایش فقر شهری شد. این امر در اثر خشک‌سالی پدیدار شده است و در نتیجه عراق مجبور است نیازهای کشاورزی خود را از طریق کشورهای همسایه تأمین کند (Nomikos, 2016: 10). ساکنان این مناطق چاره‌ای جز استفاده از آب‌معدنی با وجود قیمت بالای آن در بازار محلی ندارند (العباسی، ۲۰۰۸: ۳۰-۳۳). در صورتی که طبق آمارها ترکیه حدود ۱۰۰ میلیارد مترمکعب آب ذخیره کرده که تنها یک‌پنجم آن (۲۰ میلیارد مترمکعب) را برای استفاده لازم دارد. صلح سبز و دوستان زمین تأیید کرده‌اند که کاهش عرضه آب بین‌المللی باعث مهاجرت مهاجران محلی شده است و این امر هزاران کُرد را بی‌خانمان کرده است (Al-Najim, 2005: 96).

۶-۴. افزایش بیابان‌زایی

پروژه ترکیه همچنین پدیده بیابان‌زایی را در عراق گسترش داده و در عین حال مشکل گسترش تپه‌های ماسه‌ای به سایر مناطق جنوب کشور را افزایش داده است. طوفان‌های شن باعث فرسودگی مراتع طبیعی و کاهش تولید اراضی کشاورزی می‌گردد. با کاهش میزان آب دجله و فرات، باتلاق‌های واقع در جنوب کشور نیز در معرض خشک‌سالی قرار خواهند گرفت (العباسی، ۲۰۰۸: ۱۳). گسترش بیابان‌زایی در عراق، باعث گسترش تپه‌های ماسه‌ای و تغییر آب‌وهوایی از طریق تکرار طوفان‌های شن می‌شود و علاوه بر خشک شدن باتلاق‌ها به‌طور طبیعی، در سال‌های خشک به کاهش شدید آب جاری منجر می‌شود، به‌ویژه پس از تکمیل ایلیسو (صوفی، ۲۰۱۶). برطرف کردن همه این مشکلات هزینه اقتصادی بالایی به عراق تحمیل خواهد کرد. با خشک شدن دشت‌های میان‌رودان و زمین‌های منطقه، رطوبت کاهش یافته و به تولید ریزگردها دامن زده است. با افتتاح سد ایلیسو در ۲۰۲۲ پدیده‌های زیست‌محیطی مانند ریزگردها مؤلفه جدایی‌ناپذیر در اکوسیستم کشورهای عراق و ایران به وجود آورده و تعارضات منطقه‌ای را دامن زده است؛ به‌خصوص وقتی بدانیم ساختن این سدها عملاً باعث می‌شود از ورود ۶۰ درصد آب رود دجله

به عراق جلوگیری شود و آب اندکی که از طریق سیل‌ها یا مسیل‌ها به عراق می‌رسد به وسیله این کشور مصرف می‌شود و عملاً هیچ میزانی نصیب تالاب هورالعظیم نخواهد شد و این امر افزایش بیابان‌ها، ریزگردها، طوفان‌شن و ماسه و مهاجرت هم در عراق و هم ایران را دامن می‌زند (حمیدی و مزدخواه، ۱۴۰۱: ۴۹).

۵-۶. پاسخگو نبودن به نیازهای رو به رشد جمعیت

افزایش جمعیت که در پنج دهه گذشته در عراق رخ داده و اکنون نیز در حال وقوع است، مشکلاتی را به وجود آورده است که در ترکیه نیز شاهد آن هستیم؛ از جمله اینکه افزایش مستمر ظرفیت تولید محصولات کشاورزی برای پاسخگویی به نیازهای غذایی رو به رشد جمعیت روستایی و شهری از یک سو و نیازهای رو به رشد بخش صنعتی و سایر بخش‌های اقتصاد عراق از طرف دیگر، از ضروریات است و به تأمین آب وابسته است. باید تأکید شود راه‌اندازی فرایند صنعتی‌سازی در عراق، برای انطباق با تعداد روزافزون نیروی کار و این افزایش نیاز که در سال‌های آتی افزایش می‌یابد نیازمند افزایش ظرفیت تولید کشاورزی و مواد غذایی است. همچنین باید افزود که افزایش مستمر میزان استفاده از آب‌های سطحی و زیرزمینی و مقدار مصرفی آب رودخانه‌های دجله و فرات برای رفع نیازهای روزافزون ساکنان شهرها به آب آشامیدنی و نیازهای کشاورزی و صنعتی برای ترکیه نیز ضروری است؛ به‌ویژه تکمیل سد ایلسو (یکی از پروژه‌های گاپ) که می‌تواند نقش مهمی در توسعه پایدار ترکیه داشته باشد و همین عامل، در مقابل برای عراق عکس عمل می‌کند و به ضرر آن است (ابوالواتار، ۲۰۰۸: ۵۱-۵۲).

به‌طور کلی اجرای پروژه گاپ ترکیه نشان‌دهنده ترجیح این کشور به علاقه بخشی از جمعیت ترکیه است که حدود ۱۵ درصد تخمین زده می‌شود. این جمعیت در حوضه دو رودخانه در منطقه آناتولی شرقی زندگی می‌کند و در مساحت ۷۳۰۰۰ کیلومتر مربع توزیع شده است. ترجیح و برنامه ترکیه در ازای محرومیت ۱۰۰ درصدی جمعیت عراق و ۲۰ درصد از جمعیت سوریه - که در این حوضه به مساحت نیم‌میلیون کیلومتر مربع زندگی می‌کنند - پیش می‌رود.

۶-۶. تخریب بناهای فرهنگی

طرح سد ایلسو، یکی از سدهای پروژه گاپ، در سال ۲۰۰۶ آغاز شد و در نهایت، در اوایل سال ۲۰۱۸ به پایان رسید. مخزن این سد در تابستان ۲۰۱۹ شروع به پر شدن کرد و تولید برق در مه ۲۰۲۰ آغاز شد. در حالی که عملکرد اصلی سد تولید برق است، بیانیه‌های رسمی ترکیه گزارش می‌دهد که این سد ۴,۲ میلیارد کیلووات ساعت برق تولید می‌کند و سالانه ۲,۵ میلیارد لیتر به اقتصاد ترکیه می‌افزاید. منتقدان

درباره تأثیرات مخرب متعدد از جمله تخریب مکان‌های فرهنگی باستانی، جابه‌جایی اجباری جمعیت، تخریب آب در داخل کشور و در منطقه، تخریب محیط‌زیست و از دست دادن قابل توجه تنوع زیستی هشدار داده‌اند (Murat Tezcür et al, 2021: 1348).

این سد یک بنای باستانی مهم در شهر «حسنکیف» را که قدمت آن به قرن هفتم قبل از میلاد بازمی‌گردد تخریب کرد (Al-Najim, 2005: 96). وقتی بنای حسنکیف به همراه بخش چشمگیر دژ تاریخی غرق شد، دولت ترکیه برای استتار این تخریب عمدی، تعدادی ساختمان «متحرک» از جمله زیارتگاه یک حاکم مسلمان و یک مسجد متعلق به قرن پانزدهم را به یک پارک باستان‌شناسی منتقل کرد. در مجاورت این پارک موزه‌ای وجود دارد که آثار باستانی حفاری‌شده حسنکیف را به نمایش می‌گذارد. دولت همچنین «حسنکیف جدید» را به‌عنوان یک مقصد گردشگری با ارائه پیاده‌روی در طبیعت، ورزش‌های آبی و پاراگلایدر معرفی کرد (Murat Tezcür et al, 2021: 1348-1349).

آثار این پروژه خطرناک در جابه‌جایی بسیاری از ساکنان به‌ویژه کردهای ساکن در منطقه جنوب‌شرقی آناتولی در ترکیه و غرق شدن مکان مهم باستان‌شناسی در آب سدها مشهود است. علاوه بر این، آب رودخانه در معرض خطر آلودگی ناشی از استفاده مکرر از آفت‌کش‌ها و کودهای شیمیایی توسط کشاورزان ترک قرار دارد (العباسی، ۲۰۰۸: ۲). در نتیجه این جمعیت برای تأمین معاش خود مجبورند مهاجرت کنند. از بین بردن یک بنای تاریخی هم به اقتصاد گردشگری عراق لطمه وارد کرده و هم هزینه بازسازی زیست‌محیطی را به عراق تحمیل کرده است. اکوسیستمی که در اثر این تخریب از بین رفته است حتی با صرف هزینه هنگفت نیز تا سالیان دراز به شکل اولیه خود بازخواهد گشت و مردمی که در این مکان سکونت داشتند بیکار و از محل سکونت خود رانده شدند. به عبارتی لطمه اقتصادی در اثر تخریب آثار باستانی با سدسازی برای عراق بسیار بیشتر از سود آن بوده است.

۷. راهکارهای همکاری بین دو کشور برای برون‌رفت از مشکلات

ترکیه و عراق برای حل مشکلات آب تا کنون نشست‌های مختلفی برگزار کرده‌اند و در نهایت، در ۲۰۰۹ یادداشت تفاهمی امضا کردند که هنوز به تصویب پارلمان ترکیه نرسیده است. همچنین عراق موافقت کرد که با ترکیه در برخی گروه‌های کاری با وعده به‌اشتراک‌گذاری ظرفیت برای بهبود زیرساخت‌های آب شرکت کند. در چارچوب همکاری‌های دوجانبه، ترکیه قول داد که فناوری و ظرفیت را با عراق به‌اشتراک بگذارد تا ظرفیت‌های مدیریت و تصفیه آب عراق را بهبود بخشد. ایجاد یک چارچوب نهادی دوجانبه نوید همکاری فرامرزی بیشتر و کاهش چشم‌انداز «جنگ‌های آبی» را می‌دهد؛ اما با وجود این،

نشست‌ها و توافقات دوجانبه نتوانسته است به خواسته‌های بازیگران جامعه مدنی عراقی که نگران امنیت آب هستند پاسخ دهد. فعالان عراقی عمیقاً نگران هستند و استدلال می‌کنند که ترکیه به دلیل معاهده دوستی و روابط همسایگی با عراق که در سال ۱۹۴۶ امضا شد، تعهد قانونی برای رسیدگی به نگرانی‌های عراق دارد، در صورتی که زمانی که ترکیه توافق‌نامه را تهیه کرد هیچ مشورتی با جوامع پایین‌دستی در عراق صورت نگرفت و اسناد به عربی ترجمه نشد (Tezciir et al, 2021: 1362). در همین راستا، مطلوب است راهکارهایی برای همکاری بین دو کشور ارائه گردد:

- از آنجا که هدف اصلی سازمان ملل متحد از ابتدا این بود تا کشورها را از بروز جنگ دور نگه دارد، یکی از راهکارهای برون‌رفت این است که معضل سدسازی و تقسیم آب رودهایی مانند دجله در دستور کار مجمع عمومی و نشست‌های سازمان ملل قرار گیرد و نمایندگان کشورهای عراق و سوریه با استفاده از سازمان ملل بتوانند ترکیه را برای ورود به یک تعهد بین‌المللی تشویق کنند، بدون اینکه جنگ و درگیری صورت گیرد.
- پیشنهاد می‌شود تا با استفاده از تشکلات و ائتلافات، با همکاری کشاورزان، بر افکار عمومی تأثیر گذاشته شود؛ به‌خصوص با وسیع‌تر شدن شبکه‌های اجتماعی و همدردی‌های بین‌المللی، این امر موجب می‌شود مطالبات کشاورزان به گوش مسئولان برسد و یک همکاری بین‌المللی برای رسیدن به توافق صورت گیرد. زیرا کشاورزی بخش مهمی از اقتصاد کشور عراق را تشکیل می‌دهد.
- ایجاد یک سیاست جامع آب عربی که در آن همه کشورهای عربی مشارکت داشته باشند، برای اتخاذ مدیریت یکپارچه و عملی آب در تمامی سطوح اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی، مبتنی بر استفاده بهینه و واقع‌بینانه از آب بدون هدر رفتن آب.
- حمایت مادی و معنوی عراق و لابی‌گری در حوزه بین‌المللی برای تشریح قوانین کنترل آب‌های منطقه‌ای و فرامرزی در بعد جهانی.
- ایجاد ظرفیت ائتلاف‌سازی بین عراق، ایران و سوریه با محوریت عراق برای فشار آوردن به ترکیه جهت توقف یا تعدیل پروژه آبی گاپ؛ چرا که این پروژه بر کل منطقه تأثیر گذار است.
- ایجاد توافق‌نامه بین عراق و ترکیه برای بالا بردن سهمیه آب. همچنین ایجاد وابستگی متقابل اقتصادی و دادن بخشی از امتیازات به صورتی که عراق در این امر بیش از حد متضرر نشود.
- تعدیل بندهای مربوط به فدرالیسم در قانون اساسی عراق مربوط به بخش توزیع منابع آبی عراق،

بخش‌های انحصاری و مشترک بین دولت فدرال و اقلیم در آینده.

- فرهنگ‌سازی نخبگان حاکم و مردم در استفاده بهینه از آب از یک سو و وارد کردن فناوری تصفیه آب در بخش کشاورزی و صنعت و فناوری جدید آبیاری از سوی دیگر، برای کاهش اثرات این پروژه کارساز است.

۸. نتیجه‌گیری

وابستگی متقابل با تأکید بر نابرابر بودن روابط کشورها و همچنین طرح مسئله کنترل منابع توسط کشور قدرتمندتر چارچوب این نوشتار را تشکیل داده است. ترکیه یکی از کشورهای بالادستی است که با منابع آبی و کنترل آن قدرت پیدا کرده است؛ این کشور نه تنها از آب به عنوان ابزاری برای توسعه سیاست داخلی خود به منظور دستیابی به توسعه اقتصادی و اجتماعی، بلکه به عنوان ابزار مهمی برای تحقق اهداف سیاست خارجی از آن استفاده کرده است. طبق نظریه وابستگی متقابل، تحولات اقتصادی سیاست را نفی نمی‌کند؛ بلکه این تحولات نوع جدیدی از سیاست را ایجاد می‌کند.

ترکیه با اجرای پروژه گاپ به دنبال کسب جایگاهی مؤثر و تأثیرگذار در نظم جدید بین‌المللی است. ترکیه از بیم کاهش موازنه استراتژیک و احتمال به حاشیه راندن نقش خود به عنوان متحد غرب در منطقه، به دنبال یافتن نقش برجسته‌ای برای خود به عنوان یک قدرت شرقی است یا حداقل می‌کوشد خود را به مرکز قطبی شدن تبدیل کند. ترکیه با ایجاد سد و در اختیار داشتن کنترل آب کشورهای عربی، خواهد توانست نقش خود به عنوان یک کشور برجسته شرقی را تحقق بخشد. به خصوص که پروژه‌های تولید برق این منطقه در دستان این کشور است. ترکیه با این کار می‌تواند تأمین خوراک جمعیت خاورمیانه را نیز در اختیار خود بگیرد. از طرف دیگر، تحت کنترل قرار دادن جمعیت کردنشین که همواره تهدیدی جدی برای ترکیه محسوب می‌شد، با مدیریت آب در این منطقه حاصل می‌شود.

درباره اثرات این پروژه بر عراق باید گفت با شروع سدسازی بخش قابل توجهی از جمعیت عراق دچار مشکل شده‌اند. کشاورزی به عنوان مهم‌ترین بخش عراق تحت تأثیر این پروژه قرار گرفته است. به دنبال خشک‌سالی، شوری زمین نیز افزوده شده است. با خشک شدن زمین‌ها و تبدیل زمین قابل کشت به بایر، پدیده مهاجرت افزایش یافته و بخش قابل توجهی از جمعیت روستایی مجبور به مهاجرت شده‌اند و این خود بیکاری در شهرها و پدید آمدن حاشیه‌نشینی را به دنبال خواهد داشت. از هر جهت به این پروژه نگرسته شود، می‌توان آثار مخرب آن را مشاهده کرد. بحث نابرابری در رابطه در وابستگی متقابل در اینجا نمایان شده است. در واقع این طرح به صورت یک‌جانبه برای ترکیه دارای منافع است. با نادیده

گرفته شدن حق آبراهه برای عراق آسیب‌های جدی‌تری به وجود خواهد آمد. بدین منظور مناسب است تا دست‌اندرکاران امور سیاست خارجی در عراق در تعاملات خود با ترکیه به این موضوع حیاتی توجه کنند؛ به خصوص که عراق می‌تواند با کارت‌های سیاسی خود در بخش‌های دیگر، به‌ویژه خطوط لوله نفت، با ترکیه وارد معامله شود و مسئله تأمین آب برای کشاورزی و معیشت بخش بزرگی از کشور را حل کند.

منابع

الف) فارسی

- بزرگی، وحید. (۱۳۷۵). *نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- حمیدی، سمیه؛ مزدخواه، احسان. (۱۴۰۱). «ترکیه و هیدروهمونگرایی در خاورمیانه؛ راهبردی برای نظم‌سازی منطقه‌ای در ژئوپلیتیک بین‌النهرین»، *فصلنامه مطالعات سیاسی بین‌النهرین*، ۱(۱)، ۳۱-۵۴.
- خبرگزاری کُردپرس. (۱۴۰۱/۱/۱۵). «سدسازی در اقلیم کردستان، موضوع جدید اختلافات بغداد-اربیل»، قابل دسترس در: <https://kurdpress.com/fa/30083>
- قائم‌مقامی، سید علی. (۱۳۹۶). «بحران آب و آب‌های جاری فرامرزی ترکیه و امنیت ملی و محیط‌زیست ایران»، *فصلنامه مطالعات منافع ملی*، ۲(۷)، ۹۷-۱۱۷.
- قنبرلو، عبدالله. (۱۳۹۳). «مبانی و مؤلفه‌های مفهومی اقتصاد سیاسی بین‌الملل»، *جستارهای سیاسی معاصر* (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، ۵(۲)، ۸۷-۱۱۰.
- کرمی، افشین؛ حسین‌زاده، جواد؛ پیشگاهی فرد، زهرا. (۱۳۹۵). «تأثیرات هیدروپلیتیک بر مناسبات عراق و ترکیه با تأکید بر دجله و فرات»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، ۵(۱۷)، ۲۹-۵۱.
- مایلی، محمدرضا؛ مطیعی، مریم. (۱۳۹۵). «قدرت نرم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، ۹(۳۵)، ۱۸۹-۲۰۸.
- محمدی، اسفندیار. (۱۳۸۳). «نظریه‌های اقتصاد سیاسی بین‌المللی»، *مجله دانشکده علوم انسانی* (دانشگاه امام حسین^(ع))، ۵۴-۱۰-۵۵.
- وحیدی‌راد، میکائیل. (۱۳۹۲). «نظریه وابستگی متقابل و کاربست آن در تاریخ معاصر ایران»، *خردنامه*، ۱۰، ۱۰۰-۱۱۴.

ب) عربی

- ابو الوتار. (۲۰۰۸). «بعض الآثار المائية - الاقتصادية المحتملة الناتجة عن إنشاء سد أليسو (GAP) في إطار مشروع إعمار جنوب شرق الأناضول»، *دراسات إقليمية*، ۵(۱۲)، ۱-۲۳.
- جبار مصلح، اسامة. (۱۹۹۷). «معادلة المياه - النفط في العلاقات الاقتصادية العراقية التركية، بغداد»، *مجله دراسات الشرق الاوسط*، ۴.

- جواد سلمان، خالد. (٢٠١٧). «تأثير سياسات دول الجوار على مستقبل الموارد المائية في العراق»، *مجلة كلية التربية الأساسية للعلوم التربوية والإنسانية*، ٣٦، ٧٢٢-٧٣٤.
- حميدي، إبراهيم. (١٩٩٢). «ثلاثة احتمالات تفسر ملاحظة أنقرة في التفاوض على مياه دجلة و الفرات»، *جريدة الحياة اللندنية*، ٢٤.
- حيدر زوين. (٢٠١٨). «الموارد المائية في العراق: التحديات المحلية والدولية والصعوبات القانونية والدبلوماسية»، *الرائد القانوني* (مركز الدراسات الاستراتيجية، جامعة كربلا)، ٤.
- راضى طلفاح، حبيب؛ علي فلاح، جواد؛ والى فريح، ناصر. (٢٠٠٨). «الأهمية الجيوبوليتيكية للمشاريع المائية التركية في أعالي حوض نهر دجلة وتأثيرها في الأمن المائي للعراق»، *مجلة واسط للعلوم الانسانية والاجتماعية*، ٤ (٧)، ٣٣-٩.
- رضوان، وليد. (٢٠٠٦). «العلاقات العربية التركية، بيروت: شركة المطبوعات للتوزيع والنشر.
- روبنس، فيليب. (١٩٩٣). *تركيا و الشرط الأوسط*، ترجمة ميخائيل نجم خوري، بيروت: دار قرطبة للنشر و الوثيق و الأبحاث.
- السويداني، حامد محمد طه. (٢٠١١). «العلاقات العراقية-التركية العمق التاريخي وآليات تفعيل التواصل»، *دراسات إقليمية* (جامعة الموصل)، ٢٤، ١٢٥-١٥١.
- الشمري، احمد جاسم ابراهيم. (٢٠٢٠). «سياسة تركيا المائية و انعكاساتها على دول الجوار الاقليمي العربي (سورية-العراق)»، *مجلة مركز بابل للدراسات الانسانية*، ١٠ (٢)، ٣١-٧٠.
- الصالح، ثامر محي الدين. (١٩٨٩). *الطاقة في تركيا*، رسالة ماجستير، معهد الدراسات الاسيوية و الافريقية، الجامعة المستنصرية.
- صوفي، مديحة. (٢٠١٦). *مشروع غاب التركي و تأثيره على الموارد المائية والواقع البيئي في العراق*، السليمانية: منشورات مركز كردستان للدراسات الاستراتيجية.
- عائب، حبيب. (٢٠٠٩). «المياه في الشرق الأوسط الجغرافيا السياسية للموارد و النزاعات» القاهرة: الهيئة المصرية للكتاب.
- العباسي، ريان ذنون محمود. (٢٠٠٨). «مشروع سد اليسو و تأثيره على الوضع الاقتصادي للعراق»، *دراسات إقليمية*، ٥ (١٢)، ١-٢١.
- عبدالكريم محمد، فرح. (٢٠١٤). «النزاع على المياه بين العراق و تركيا» ٣٠١٤-٢٠٠٣، رسالة مقدمة لاستكمال متطلبات الحصول على درجة الماجستير في العلوم السياسية، الاستاذ الدكتور محمد حمد القطاطشة، جامعة الشرق الأوسط.
- عبدالهادي، علي. (١٩٩٦). *المجال الحيوي التركي*، اطروحة دكتوراه غير منشورة، كلية العلوم السياسية، جامعة بغداد.
- عبيد حداد، حامد. (٢٠١٢). «المشاريع المائية التركية في حوضي دجلة و الفرات: الأهداف و النوايا»، *مجلة العلوم الاقتصادية و الإدارية* (جامعة بغداد)، ١٨ (٦٥)، ٢٦٥-٢٨٢.
- غدیر، غازی فیصل. (٢٠٠٩). «سياسة تركيا اتجاه العراق ١٩٩١-٢٠٠٣م»، *مجلة كلية المأمون*، ١٤-١٤، ٥٦-٢٧.
- الكعبي، حسين وحيد عزيز؛ الخفاجي، رفل حسين نجم. (٢٠١٥). «السياسة المائية التركية في حوض نهر دجلة»، *مجلة كلية التربية الأساسية للعلوم التربوية والإنسانية* (جامعة بابل)، ١ (٢٣)، ٥٧٦-٥٨٦.
- المجنوب، طارق. (٢٠١٢). «تأثير المياه في العلاقات بين تركيا وجوارها العربي»، في: نورالدين، محمد (تقديم) *العرب و تركيا تحديات الحاضر و رهانات المستقبل*، الدوحة: المركز العربي للأبحاث و دراسة السياسات.
- المظفر، علي عبدالحسين عبدالله. (٢٠١٦). «الفرص الضائعة أمام العراق في مياه دجلة و الفرات»، *المجلة السياسية و الدولية*

(الجامعة المستنصرية كلية العلوم السياسية)، ۳۰، ۷۴-۴۱.

هاشم محمد، سری. (۲۰۰۹). «العلاقات العراقية-التركية: الواقع والمستقبل»، دراسات استراتيجية، ۵ (۱)، ۱۲۰-۱۲۹.

References

- Al-Ansari, N. A. (2013). "Management of Water Resources in Iraq: Perspectives and Prognoses". *Engineering*, 5 (6), 667-684.
- Al-Ansari, N. A. (2019). "Hydro Geopolitics of the Tigris and Euphrates". In: Mustafa, Y.; Sadkhan, S.; Zebari, S.; Jacksi, K. (eds) *Recent Researches in Earth and Environmental Sciences*. Springer Proceedings in Earth and Environmental Sciences. Springer, Cham, 35-70.
- Al-Ansari, N. A.; Ali, A. A.; Knutsson, S. (2015). "Iraq Water Resources Planning: Perspectives and Prognoses". *International Conference on Civil and Construction Engineering*, At Jeddah, Saudi Arabia.
- Al-Ansari, N. A.; Knutsson, S. (2011). "Possibilities of Restoring the Iraqi Marshes Known as the Garden of Eden". In: *Water and Climate Change in the MENA-Region: Adaptation, Mitigation and Best Practices*, 28-29 Apr 2011.
- Al-Ansari, N. A.; Knutsson, S. (2011). "Toward Prudent Management of Water Resources in Iraq". *Journal of Advanced Science and Engineering Research*, 1, 53-67.
- Al-Muqdadi, S.; Omer, M. F.; Abo, R.; Naghshineh, A. (2016). "Dispute over Water Resource Management - Iraq and Turkey". *Journal of Environmental Protection*, Indian Journal of Environmental Protection 7 (8), 1096-1103.
- Al-Najim, M. (2005). "Impact of Tigris and Euphrates Water Crisis on the Environmental Catastrophe of Iraq Marsh Lands". *Iraqi Geological Journal*, 34-38 (1).
- Barkey, H. J. (2010). "Turkey's New Engagement in Iraq Embracing Iraqi Kurdistan". *United States Institute of Peace*, Special Report 237, 47.
- Bozorgi, Vahid (1996). *Theories of International Relations*, Tehran: Jahad University Publications. [In Persian].
- De-Pimodan, Q. (2016). "The Dams War: How Water Scarcity Helped Create Isis And Why Combating It Would Undo It". *Research Institute for European and American Studies (RIEAS)*, Research Paper, 172, 4-48.
- Foley, D. K. (1999). *Notes on the Theoretical Foundations of Political Economy*, Boğaziçi Üniversitesi.
- Ghaem-maghani, A. (2017). "Water Crisis, Running and Trans-boundary Water of Turkey, National Security and Iran's Environment". *National Interest Studies*, 2 (7), 97-117. [In Persian].
- Ghanbarloo, A. (2014). "Foundations and Conceptual Framework of International Political Economy". *Contemporary Political Studies*, 5 (12), 87-110. [In Persian].
- Hamidi, S.; Mozdkhah, E. (2022). "Turkey and Hydro-Hegemonism in the Middle East; A Strategy for Regional Order-Making in the Geopolitics of Mesopotamia". *Mesopotamian Political Studies*, 1 (1), 29-52. [In Persian].
- Karami, A.; Hoseynzadeh, J.; Pishgahifard, Z. (2016). "The Hydropolitic Impact on Relations between Iraq and Turkey, with Emphasis on the Tigris and Euphrates". *Political studies of Islamic world*, 5 (1), 29-51. [In Persian].
- Kurd Press News Agency, (4/4/2022). "Dam Building in the Kurdistan Region, the New Issue of Baghdad-Erbil Disputes". Accesses at: <https://kurdpress.com/fa/30083/>. [In Persian].
- Mayeli, M., & Motiee, M. (2016). Soft power in Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran.

- Research Letter of International Relations, 9 (35), 190-207. [In Persian].
- Mohammadi, E. (2004). "Theories of International Political Economy", *Journal of the Humanities*, 54, 10-55. [In Persian].
- Nomikos, J. M. (2016). "The Dams War". *Research Institute for European and American Studies (RIEAS)*, 172.
- Tezcür, G. M.; Schiel, R; Wilson, B. M. (2021). "The Effectiveness of Harnessing Human Rights: The Struggle over the Ilisu Dam in Turkey", *Development and Change*, 52 (6), 1343-1369.
- Toprak, L. (2010). Entegre ve Sürdürülebilir bir Kalkınma Anlayışı Ile Gap". *Mukaddime*, Sayı 2.
- Vahidi rad, M. (2013). "The Theory of Interdependence and its Application in the Contemporary History of Iran". *Introducing the Scientific-Specialized Quarterly Khrodnameh*, 10, 100-114. [In Persian].
- Yousuf, M. A.; Rapantova, N.; Younis, J. H. (2018). "Sustainable Water Management in Iraq (Kurdistan) as a Challenge for Governmental Responsibility". *Water*, 10 (11), 1651.

